خلقت جن

" و الجان خلقناه من قبل من نار السموم " .
راغب در باره کلمه " سموم " گفته : باد داغی است که اثر سمی دارد. و اصل کلمه " جن " به معنای پوشاندن است، و همین معنا در همه مشتقات کلمه جریان دارد (1) نظیر جن، چون از نظر پوشیده است، و مجنة و جنة (سپر) چون آدمی را از شمشیر دشمن می پوشاند، و جنین، و جنان - به فتح جیم - (قلب) ، چون از نظرها پنهان است و همچنین در این جمله قرآن : " جن علیه اللیل " (2) و مشتقات دیگر آن، این معنا جریان دارد.
" جن " طایفه ای از موجوداتند که بالطبع از حواس ما پنهانند، و مانند خود ماشعور و اراده دارند، و در قرآن کریم بسیار اسمشان برده شده، و کارهای عجیب و غریب و حرکات سریع از قبیل کارهایی که در داستانهای سلیمان انجام دادند به ایشان نسبت داده شده، و نیز مانند ما مکلف به تکالیفند، و چون ما زندگی و مرگ و حشر دارند و همه اینها از بسیاری از آیات متفرق قرآنی استفاده می شود.
و اما " جان " و اینکه آیا جان هم همان جن است و یا به گفته ابن عباس (3) پدرجن است همانطور که آدم پدر بشر می باشد، و همان ابلیس است، و یابه گفته راغب (5) نسل جنی ابلیس و یا نوع مخصوصی از جن است، اقوال مختلفی است که بیشترش بی دلیل است.
آنچه که تدبر در آیات قرآن کریم به دست می دهد این است که در دو آیه موردبحث " جان " را مقابل " انس " گرفته و آن دو را دو نوع گرفته، و همین دو نوع گرفتن آن دو دلیل و یا حداقل اشاره دارد بر اینکه یک نوع ارتباطی در خلقت آن دو هست، ونظیر دو آیه مورد بحث، آیه " خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجان من مارج من نار " (6) است.
سیاق آیات مورد بحث هم خالی از دلالت بر این معنا نیست که ابلیس از جنس جن بوده، و گر نه جمله " و الجان خلقناه من قبل. . . " لغو می شد. در جای دیگر ازکلام خود هم فرموده که ابلیس از جن بود، و آن آیه " کان من الجن ففسق عن امر ربه " (7) است، از این آیه به خوبی بر می آید که جان (در آیه مورد بحث) همان جن بوده، و یایک نوعی از انواع آن بوده، در غیر این دو آیه دیگر اسمی از جان برده نشده، و هر جابحثی از موجود مقابل انسان اسمی رفته به عنوان جن بوده، حتی در مواردی که عمومیت کلام، ابلیس و همجنسان او را هم می گرفته - مانند آیه " شیاطین الانس و الجن " (8) و آیه " و حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس " (9) و آیه " سنفرغ لکم ایه الثقلان " (10) و آیه " یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا " (11) - به لفظ جن تعبیر شده است.
و ظاهر این آیات با در نظر گرفتن اینکه میان انسان و جان در یکی، و انسان وجن در دیگری مقابله افتاده این است که جن و جان هر دو یکی باشد و تنها تعبیر دو تااست.
و نیز ظاهر مقابله ای که میان جمله " و لقد خلقنا الانسان. . . " و جمله " و خلقنا الجان من قبل. . . " برقرار شده این است که همانطور که جمله اولی در صددبیان اصل خلقت بشر است، جمله دومی هم در مقام بیان همین معنا باشد. پس نتیجه این می شود که خلقت جان در آغاز از آتشی زهرآگین بوده است.
حال آیا نسلهای بعدی جان هم مانند فرد اولشان از نار سموم بوده، بخلاف آدمی که فرد اولش از صلصال و افراد

بعدش از نطفه او، و یا جن هم مانند بشر است، از کلام خدای سبحان نمی توان استفاده کرد، زیرا کلام خدا از بیان این جهت خالی است. تنهاچیزی که در آن بچشم می خورد و می توان از آن استشمام پاسخی از این سؤال نمود، این است که یک جا برای شیطان ذریه سراغ داده و فرموده : " ا فتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی " (12) و جای دیگر هم نسبت مرگ و میر به آنها داده و فرموده : " قد خلت من قبلهم من الجن و الانس " (13) .

و از این دو نشانی می توان فهمید که تناسل در میان جن نیز جاری است، زیرامعهود و مالوف از هر جانداری که ذریه و مرگ و میر دارد، این است که تناسل هم داشته باشد، چیزی که هست این سؤال بدون جواب می ماند که آیا تناسل جن هم مانند انس و سایر جانداران با عمل آمیزش انجام می یابد و یا به وسیله دیگري؟.

در جمله " خلقناه من قبل " اضافه قطع شده و تقدیر : " من قبل خلق الانسان " بوده، و چون قرینه مقابله دو خلقت در کار بوده از ذکر مضاف الیه صرف نظر شده است.

و اگر در آیه مورد بحث مبدا خلقت جن از نار سموم دانسته شده، با آیه سوره الرحمن که آن را " مارجی از نار " نامیده و فرموده : " و خلق الجان من مارج من نار " منافات ندارد، زیرا مارج از آتش، شعله ایست که همراه دود باشد، پس دو آیه در مجموع مبدا خلقت جن را باد سمومی معرفی می کند که مشتعل گشته و به صورت مارجی ازآتش در آمده.

معنای کلمه " بشر " و نکته ای که در التفات از تکلم به غیب در آیه : " و اذا قال ربک " هست

پس معنای دو آیه این می شود : سوگند می خوریم که ما خلقت نوع آدمی را ازگلی خشکیده که قبلا گلی روان و متغیر و متعفن بود آغاز کردیم، و نوع جن را از بادی بسیار داغ خلق کردیم که از شدت داغی مشتعل گشته و آتش شده بود.

پی نوشت ها :

(1) مفردات راغب ماده " سمم " .

(2) شب پرده بر او پوشانید. سوره انعام، آیه 76.

(3) تفسیر ابن عباس، ص 217 و مجمع البیان، ج 6، ص 334.

(4) مجمع البیان، ج 6، ص 334 و تفسیر فخر رازی، ج 19، ص 180.

(5) مفردات راغب، ماده " جن " .

(6) انسان را از گل خشکیده چون سفال و جن را از آتشی زبانه دار آفرید. سوره الرحمن، آیه 14 و 15.

(7) از جن بود پس از امر پروردگارش سر باز زد. سوره کهف، آیه 50.

(8) سوره انعام آیه 12.

(9) وعده عذاب خدا بر کفار در امتهای گذشته از جن و انس عملی شد. سوره فصلت، آیه 25.

(10) به زودی به کار شما می پردازیم ای جن و انس. سوره الرحمن، آیه 31.

(11) ای گروه جن و انس اگر می توانید که به اطراف و نواحی زمین و آسمانها نفوذ کنید، بکنید سوره الرحمن، آیه 33.

(12) آیا به جای من، شیطان و ذریه او را اولیاء خود می گیرید؟سوره کهف، آیه 50.

(13) قبل از ایشان اقوامی از جن و انس بودند که از بین رفتند. سوره فصلت، آیه 25.